

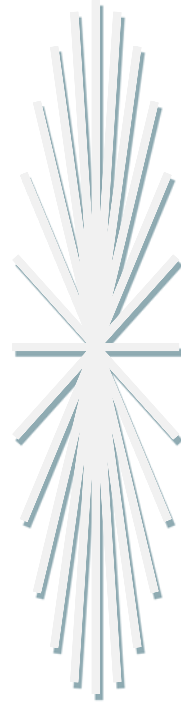
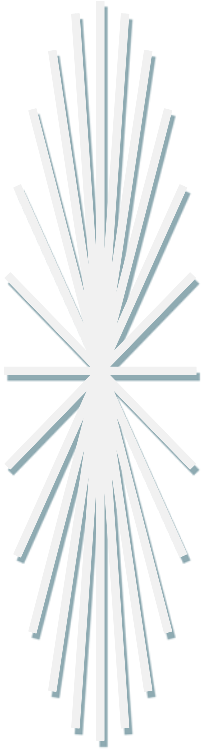


شرحی بر دعای خمس عشر

محقق: فاطمه پور شفیع

تابستان ۹۵

تقدیم به روح مطہر معصومین علیہ السلام



مقدمه:

از بزرگترین نعمتهای خداوند بر بنده اش در خواست است ، تقاضا است ، خواستن است پس بنده وقتی از خداوند چیزی بخواهد، علل و اسباب رسیدن به این در خواست را باید آماده کرده باشد؛ که آن خود شناسی و خداشناسی است.

اعمال صالح ، ایمان ، تقوی ، درجاتی در دنیا دارند که لیاقت را برای انسان رقم می زند و این صفات گزینه های خوبی هستند برای رسیدن به مطلوب که آنها در خواست از خداوند است؛ ولی گاهی گناه ضعف اعتقادی را بوجود می آورد و براین اساس لیاقت وجودی کم شده و استجابیت دعا را طولانی می کند. هرچه استجابیت دعا طولانی شود و انسان به جواب در خواست خود نرسد تخفیف در گناهان حاصل می گردد که بزرگترین نعمت است؛ در این حین نتیجتاً انسان بخود می آید و متوجه اعمال خود می گردد و وزنه اعمال خود را می سنجید. آنچه مسلم است تکامل بشریت در کشف فلسفه آفرینش و پیاده کردن پیام دین در زندگی است.

امام صادق(ع) در تبیین جنود عقل و جهل می فرماید: " والدَّاعَا ضِدَّهُ الاستنکاف" دعا و ضد آن خود داری است(کافی ج ۱ ص ۲۳ح ۱۴)

دعا از جنود عقل است، عقل انسان را نیازمند مطلق می بیند و لذا او را به عبودیت کمال مطلق دعوت می نماید تا با عبادت و پرستش الهی به عنایت و رحمت الهی برسد، از این رو پیشوایان دین به دلیل بالاترین مراتب عقل و معرفت پیش از دیگران خود را نیازمند به خدا می دانستند پس به دعا اهتمام داشتند که دعای خمس عشر از آن جمله است، که در ابتداء حس عبودیت فرد نسبت به آفریدگار شکل گرفته و بتدریج رشد می یابد تا در مرحله زهد بهره گیری از رحمتهای الهی را به اوج خود برساند. در باره این دعا باید گفت: دعای خمس عشر پله مبارزاتی نفسانی در برابر قوای شهویه و بهیمی و غضبیه است که مسمای آن جهاد با نفس که همان جهاد مرکب است. دعای خمس عشر سیر آفاقی و انفسی بشر بسوی قرب الهی است.

دعای خمس عشر ، پانزده مناجات عرفانی ، اخلاقی ، رفتاری و گفتاری و آموزشی در جهت ارتقاء بشریت از امام سجاد (ع) است :

سند مناجات خمس عشر در کتابهای الصحیفة الثانیة السجادیة، بحار الانوار و مفاتیح الجنان آمده است. علامه مجلسی می گوید: «این مناجات را در برخی از کتابهای اصحاب دیدم که از امام سجاد (ع) روایت کرده اند؛ در حالی که ایشان نامی از آن کتابها نبرده و سند روایت را هم نقل نکرده است. شیخ حرّ عاملی نیز در «الصحیفة الثانیة السجادیة» این مناجات پانزده گانه را از دعاهای سجادیه دانسته و بدون هیچ تردیدی به امام سجاد (ع) نسبت داده است. روایت مناجات خمس عشر مرسل است، و مطالب و مفاهیم موجود در این مناجاتها با اصول و آموزه های قرآنی و دعاهای ماثور دیگر موافق است.

محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی، (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق) مشهور به مجلسی اول، پدر علامه مجلسی و از علمای شیعه در قرن یازدهم قمری. از وی آثاری چون روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی برجای مانده است، مجلسی در اصفهان و نجف تحصیل کرد، وی در مسجد جامع اصفهان به تدریس علوم دینی مشغول بود و پس از استادانش شیخ بهائی و میر داماد، در این مسجد نماز جمعه اقامه می‌کرد.

محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی - می‌گوید: «شایسته است که سالک الی الله مداومت بر خواندن مناجات خمس عشر داشته باشد» بعضی از شاگردان سید علی طباطبایی صاحب ریاض از قول وی نقل می‌کردند که ایشان دائما می‌گفت: من چندین سال است که بر قرائت این مناجات مداومت دارم و بر اثر قرائت این مناجات‌ها، خداوند بر قلب من انوار حکمت، معرفت و محبت را تابانده است به صورتی که قابل شمارش نیست و من این مناجات‌ها را در استجابت دعا تجربه نموده‌ام، و سالکان و عبادت کنندگان بر قرائت این مناجات مداومت می‌کنند. جالب اینکه این دعا از جمعه شروع می‌شود به ترتیب تا پانزده روز طول می‌کشد و در جمعه پانزدهم پایان می‌یابد. پس به امید خداوند در معنا دعای خمس عشر وارد می‌شویم:

- ۱- مناجات التائبین : آموزش توبه برای حفظ عزّت در دنیا
- ۲- مناجات الشاکین: آموزش رفع شبهات و شکایت از نفس اماره که راه توبه را بر انسان بسته.
- ۳- مناجات الخائفین : آموزش خوف از خداوند از بحرانهای رذائل عقیدتی و اخلاقی
- ۴- مناجات الراجین : آموزش امید در برابر خوف الهی، امیدی که پناهش جز خدا کسی دیگر نیست. امیدی که اگر هست باید با خوف همراه باشد.
- ۵- مناجات الراغبین: آموزش رغبت به دین و بی رغبتی به دنیا. که رغبت به دنیا جزء عصیان و طغیان چیزی برای بشر به ارمغان نمی‌آورد.
- ۶- مناجات الشاکرین: آموزش شکر گذاری از خداوند سبحان.
- ۷- مناجات المطیعین: آموزش طاعت بندگی از نیّت تا عمل.
- ۸- مناجات المریدین: آموزش واقعی مرید و مراد که بیراه رفتن ، هلاکت ابدی دارد.
- ۹- مناجات المحبین: آموزش بندگی خالصانه در برابر خداوند.
- ۱۰- مناجات المتوسّلین : شناخت اسباب - وسیله قرب "کتاب الله و عترت" برای دوری از انحرافات
- ۱۱- مناجات المفتقرین : دواء و درمان و آموزش برای کسانی که نیاز روحی و جسمی دارند ولی نمی‌دانند.
- ۱۲- مناجات العارفين : آموزش و پاسخ به شبهات و مبارزه با عرفانهای کاذب نه زهد تنها.

۱۳- مناجات الذاکرین: آموزش ذکر و مفهوم آن.

۱۴- مناجات المعتصمین: آموزش سوار شدن بر کشتی نجات با ریسمان الهی

۱۵- مناجات الزاهدین: آموزش زهد و دوری از رهاییت

فهرست مطالب مناجات دوم:

- هلاکت انسان در ریب و شک و شبهه و وهم
 - آثار مخرب شک در انسان
 - آرزو ها در آیات و روایات
 - عوامل غفلت از یاد خدا
 - وسوسه و علاج آن
 - مکر و حيله
 - خاصیت ذکر
 - مشیت و اراده خدا
- خودفراموشی و خدا فراموشی

المناجات الثانی - مناجات الشاکین



مناجات دوّم: مناجات شاکین

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إلهی إِلَیْکَ أَشْکُو نَفْساً بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَبِمَعَاصِيكَ مُؤَلَّعَةً، وَلِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً،

خدایا به سوی تو شکایت آورم از نفسی که مرا همواره به بدی وادارد و به سوی گناه شتاب دارد و به نافرمانیهایت حریص است و به موجبات خشم دست درازی کند

شرح این فراز: امام باقر (ع) فرمودند: خدای تعالی به شعیب پیامبر وحی فرمود: که من صد هزار نفر از مردم تو را عذاب خواهم کرد. فرمود: چهل هزار نفر بدکار را و شصت هزار نفر از نیکانشان را. شعیب عرض کرد: پروردگارا! بدکاران سزاوارند اما نیکان چرا؟ خدای عزوجل به او وحی فرمود: آنان با گنهکاران راه آمدند و به خاطر خشم من به خشم نیامدند (مشکاة الانوار: ۵۱)

حال انسان چگونه قادر نباشد که در برابر نفس اماره به سوء بایستد و آن را از انجام خطاها و زشتیها باز دارد. آیا در این مرحله در ارتکاب معاصی خشم الهی را فراموش کرده یا در برابر گناهان مسامحه می کند تا گناهان انجام بگیرد؟

مراقب باش! نفس اماره بسوء بسیار فریبکار است، مهار آن را از دست نده. هیچگاه به آن اعتماد نکن که اگر به آن اعتماد کنی، شیطان تو را به سمت ارتکاب حرام ها می کشاند و هر که نفس خود را تهذیب نکند از خرد بهره مند نشود.

از سوی دیگر، انسان باید بداند که سرنوشت انسان دست خودش است "طائرکم معکم" (یس ۱۹) زیرا اعمال انسان سازنده سرنوشت انسان است. اگر فکر کنی که دست خداست که این از ابتداء نیست بلکه حاصل از انتخاب خود انسان در طول زندگی است. خداوند وضع گروهی را دگرگون نمی کند مگر اینکه آنان قبلاً وضع خود را دگرگون سازند. "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغَيِّرَ مَا بِأَنْفُسِهِمْ" (انفال/۵۳)

در نهج البلاغه کلمات قصار ۹۳- امام علی (ع) می فرماید: وان كان سبحانه أعلم بهم من أنفسهم و لكن لتظهر الأفعال التي بها يستحق الثواب و العقاب؛ خداوند انسان را بهتر از خود او می شناسد ولی برای این که افعالی که ملاک پاداش و کیفر است آشکار گردد، آنان را در بوته امتحان قرار می دهد.

پس محل شک و شبهه برای جاهل به اعمال است چه در شرع و اعتقادات و چه امور عرفی و اجتماعی؛ تا صفات خوب و بد انسان ظاهر نشود مقیاس پاداش ها و کیفرها معنا ندارد؛ و این خود یکی از انگیزه های امتحان خداست. خداوند همیشه انسان ناپاک را از انسان پاک جدا می سازد. ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما أنتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب.... (آل عمران ۱۷۹) نتیجتاً کنترل نفس اماره و نفس امرکننده ، به عهده خود انسان است اگر رهایش کند هار شده و از حق و حقیقت دور می شود و گمشده راه الهی ره بجایی ندارد و اگر مهارش کند در تحت او امر الهی، به سعادت دنیا و بالاتر از آن به سعادت آخری روی آورده و محبّ الهی، شفاعت ائمه (ع) را در بر خواهد داشت.

، تَسْأَلُکُمْ بِي مَسَائِلَ

مرا به راههایی که

الْمَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ،

**منجر به هلاکت می شود می کشاند و بصورت پست ترین نابودشدگان درم آورد
بیماریهای بسیار و آرزویش دراز است**

این نفس اماره بالسوء مرا بسوی هلاکت می کشاند و مرا نزد تو هلاک شده و ناتوان قرار می دهد و این نفسم پر عذر و بهانه است و آرزوی دراز دارد.

شرح این فراز: شکایت از نفس اماره پایانی ندارد و هر چه گویم و بنویسم از نفس امرکننده به بدی ها و زشتیها کم گفته ام. ولی هر چه هلاکت او زیاد باشد ولی جهاد با چنین نفسی و مقابله با آن توسط قوه عقلیه بسی ایثار بزرگی است زیرا قوه عقلیه ، سرعتش در مقابل قوای دیگر، بیشتر است اگر جهل چراغ قوه عقلیه را خاموش نکرده باشد. من عرف نفسه فقد عرف ربه؛ اگر خودت را بشناسی خدا را شناختی ، پس بیراهه رفتن دور شدن از خداست که در نتیجه انسان نه خود را شناخته و نه پروردگارش .

اثرات مخرب شک در انسان:

افراد ضعیف النفس و بد اندیش شکاکیت دارند . هر کس دو عنصر اساسی، حسادت و خود کم بینی را داشته باشد به شکاکیت دچار خواهد شد و بد گویی و غیبت و مشگلات روحی، اضطراب و نگرانی از خصوصیات آنهاست . وجود شکاکیت در هر کس، او را دچار افراط و تفریط در زندگی می کند و اختلالات شخصیتی را برای بنده بوجود می آورد که به نظام آفرینش و یکتایی خدا و خلق آفرینش شبیه ایجاد کرده و یا مانند مسیحیت تثلیث را بر عقاید دینی شکل می دهد. ویا فرقه های متعدد را با عقاید متفاوت در مقابل اصل دین و اعتقادات قرار می دهد.

آرزوها در آیات و روایات:

ام لئانسان ماتمئی.....: آیا انسان می پندارد که انسان به هر چه آرزو دارد می رسد؟! (نجم ۲۴-۲۶) آرزو عامل و انگیزه حرکت و رشد است و اگر آرزو نباشد انسان موجودی غافل و غفلت پذیر خواهد شد. آرزو باید در چارچوب امکانات ، استعدادها ، شرایط و ظرفیت باشد و گرنه سر از موهومات در می آورد و این نکته مهم رابطه آرزوهای طولانی را با تشکیک (شک و تردید) نشان می دهد. امام علی(ع) فرمودند: بیشترین ترس من بر شما از هواپرستی و آرزوهای طولانی است (نهج البلاغه خطبه ۲۸)

إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعْ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَّعْ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ ،

اگر شری به او رسد بی تاب شود و اگر خیری نصیبش گردد سرکشی کند به اسباب بازی و سرگرمیهای بیهوده بسیار متمایل و از بی خبری و فراموشی انباشته است

اگر به او گزندی رسد بیتابی می کند. اگر خیر و برکتی به او رسد بخل می ورزد. اینچنین شخصی با این روحیه ناگهان شیفته سرگرمیهای بیهوده می گردد و مسیرش از غفلت و بی خبری انبوه گردد.

شرح این فراز:

کشتی نجات؛ شناخت هستی و عالم وجود است. شناخت خدای تعالی، همراهی با حق است پس با وجود حق و حقیقت ، بین خیر و شر تفاوتی وجود ندارد زیرا خیر، برکت الهی است که باید قدر آن را دانست و شر جلوه ای از امتحان الهی است که درک آن ، انسان را به سوی کمال الهی سوق می دهد " وصبغةالله " رنگ خدایی، رنگی که بی تابی و غفلت در آن نمی باشد او را در بر می گیرد. بنابراین بروقایع اتفاقیه بی تابی نمی کند زیرا بی تابی کردن او را در مسیر غفلت و فراموشی قرار می دهد.

عوامل غفلت از یاد خدا:

۱- اموال و فرزندان " لا تلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله : (منافقون/۹) اموال و اولاد دو عامل قوی غفلت است.

۲- شراب و قمار "یصدکم عن ذکر الله " (مائده ۹۱)

۳- تجارت و دادوستد که انسان را از ذکر خدا باز می دارد. "رجال لا تلهیم تجارة و لا بیع عن ذکر الله" (نور - ۳۷)

۴- تکاثر و فزون طلبی " الهاکم التکاثر " (تکاثر ۱)

۵- آرزوهای طولانی " یلههم الامل " (حجر ۳)

۶- رفاه و اسایش و دنیا طلبی " متعتهم و آبائهم حتی نسوا الذکر " (فرقان ۱۸)

۷- غریبانه و ناشناس بودن نعمتها نزد انسان. توجه به نعمتها باید موجب شکر گذاری شود. غفلت در شناخت نعمتهای الهی بسی هلاکت را بدنبال خواهد داشت.

نتیجه غفلت از یاد خدا، همنشینی با شیطان است. "من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین" (زخرف ۳۶) (محسن قرانتی - دقایقی با قرآن)

تُسْرِعْ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتَسْوِفُنِي بِالتَّوْبَةِ،

مرا به سوی گناه شتاب دهد و به نوبت توبه به امروز و فردا کند

این سهو و غفلت مرا به سوی گناه می شتاباند و در کار توبه به من وعده امروز و فردا می دهد.

شرح این فراز: عقل و اندیشه، انسان را از وهم و خیال دور می کند و از هلاکت نجات می دهد. تسلط عقل بر قوای شهوات و حیوانیت و وهمیات و خیالات مزایایی دارد و مزایای آن سیمای خردمندی است و با چنین سیمایی هر کس می تواند راز احکام الهی را درک کند و دنبال روشبهات نباشد و تقوی پیشه دارد؛ آینده نگر باشد و دنیا را محل عبور و گذر بداند نه مقصد اصلی و از معضلات و فتنه ها دور بماند و توبه را روش روزانه خود قرار دهد بدین ترتیب توفیق الهی را در کسب عبودیت و بندگی و عبادت و تهجد بدست آورد.

إِلٰهِی اَسْكُوْا اِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِيْ، وَشَيْطٰنًا يُغْوِيْنِيْ،

خدایا به تو شکایت آورم از دشمنی که گمراه کند و شیطانی که مرا از راه بدر برد

شرح این فراز:

سیاست شیطان گام به گام است "خطوات" (بقره/۱۶۸) و مراحل مختلفی دارد: القای وسوسه از راه دور یا نفوذ در روح و جان (فی صدور الناس) (در استفاده از سخنان مبلغین، شناخت مبلغ از نکات مهم است زیرا گاهی مبلغی با قصد بدعت گذاری و آموزش شیوه عرفانهای کاذب، وارد عمل می شود و روح و جان انسان را به سمت باطل تسخیر می کند و امروزه این موارد از طرف تمام ادیان و فرقه های باطل بر ضد اسلام و شیعه در جریان است) - دیگر القای شیطان توسط همنشین انتخابی فرد، هم از طریق رابطه و هم از طریق تماس حاصله از دنیای مجازی برای مرد و زن. امام علی (ع) می فرماید: شیطان در روح انسان تخم گذاری می کند. "فباض و فرّخ فی صدورهم" (نهج البلاغه خطبه ۷)

قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي

وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُ لِي الْهَوَى،

سینه‌ام را پر از وسوسه کرده

و تحریکات زهرآگینش قلبم را احاطه کرده به هوا و هواسم کمک کند

نفس اماره بسوء مرا دچار وسوسه های نامطلوب کرد به گونه ای که تمام وجودم را در او هام فروبرده و هوای نفس مرا در آغوش گرفته

شرح این فراز:

میدان دادن به شیطان، غلبه هوای نفس در انسان است. زیرا شیطان از طریق تمایل شما به اعمال و کردار ناشایست بر شما تسلط یافته تا شما را بلغزاند. هر گاه چنین چیزی برای یکی از شما پیش آید خدا را به یگانگی یاد کند. پیامبر (ص) می فرماید: خداوند از وسوسه و او هام ذهنی امت من تا زمانی که آنها را به زبان یا به مرحله عمل نیاورده باشد گذشت کرده است ولی اگر به زبان آورده شود بنده به سبب آن مؤاخذه گردد.

چند ذکر مفید - علاج وسوسه:

۱- انسان هر وقت وسوسه ای در دلش می افتد تهلیل گوید: لا اله الا الله

۲- ذکر، امنیت بالله و رسوله - توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا

ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا (الذکر باب ۱۳۴۰ باب

۲۰۱۹)

این اذکار وسوسه سینه ها را از بین برده و از اوهام و خیالات نجات می دهد.

هوای نفس و هواپرستی سرچشمه کفر و غفلت و فساد و بی ایمانی و بی عقلی و در نتیجه کوری در برابر بینایی از حق می باشد و بدترین انحراف در جهت تمایلات و گرایشها و پایه ریز بدعتها در مقابل عقاید پاک و سالم است.

وَيَزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالرُّفْعَى،

**و دوستی دنیا را پیش چشمم آرایش دهد میان من و فرمانبرداری و تقرب به درگاهت
حائل گردد**

نفس اماره مزین به وسوسه های شیطانی دوستی دنیا را برای من زینت داده و بین من و اطاعت از پروردگار و بدست آوردن مقام قرب الهی جدائی می افکند

شرح این فراز:

موقعیت نفس آدمی به ریاضت و طاعتی است که در پیش می گیرد پس اگر نفس خود را پاک نگه دارد ، نفس او پاک می ماند و اگر آنرا آلوده گرداند آلوده می شود. (امیرالمؤمنین علی (ع) - غررالحکم)

دنیا دوستی منشأ هر گناهی و آفتی و فتنه است. امام علی (ع) می فرماید: اگر به دنیا دل ببندید عمر خود را در راه چیزی صرف کرده اید که نه شما برای آن می مانید و نه آن برای شما.

اصلاح اخلاق و ملکات نفسانی در دو بُعد علم و عمل بصورت کسب اخلاق فاضله و از بین بردن رذائل اخلاقی، تنها از طریق تکرار و تمرین کارهای شایسته مناسب با صفات اخلاقی و مداومت بر آنها ممکن است. و راه نجات دیگر تقوی الهی و ایمان بخدا و کسب عقاید سالم، برگرفته از قرآن و عترت است و توجه یافتن به اهداف اخروی که حقیقی است و نه پنداری و خیالی. انسان اگر به دنبال پندار و خیال رود همانا خود را به زیورهای دنیایی آراسته و اسیر دنیا می شود و راه گریز برای اوسخت می گردد و آنجا که هدف از آفرینش، تکامل است در نزد او بیهوده می شود و کسی که مقام قرب را از دست دهد اسیر ذلتها خواهد شد.

إِلٰهِ الْيَكْ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَعَلِّبًا،

وَبِالرَّيْنِ وَالطَّبَعِ مُتَلَبِّسًا، وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً، وَ إِلَى مَا تَسْرُهَا طَامِحَةً،

خدایا پیش تو شکوه آرم از دلی که سخت شده و بدست وسوسه‌ها بگردد و به زنگ (خودبینی) و خوی زشت پوشیده شده،

و از دیده‌ای که به هنگام گریه کردن از خوف تو خشک است ولی برای نگرستن به مناظر خوش‌آیندش خیره و حریص است

پروردگارا! شکایت می‌کنم از قلبی که قسی شده، بر اثر وسوسه‌ها و شک و ریب و بالاخره خودسری، و چشمی که اشک خوف ندارد و هدفش لذت بردن از هر چیزی که شادی او را بر می‌انگیزد.

شرح این فراز:

دل شگفت‌انگیزترین عضو انسان است. دل جایگاه حکمت است یا جایگاه ضد حکمت. دل ظرفهای خدایند. گاه می‌توان آن ظرفها را از نور الهی پر کرد که معنویت را برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ گاهی این ظرف خدا که فطرت انسانی است بسوی سیاهی می‌رود و وارونه می‌گردد. دل قسی دلی است که بر اثر گناهان سخت شود همچون سنگ که مؤثر در آن ترک عبادت و ترک یاد خدا و توجه به دنیا و دنیا دوستی است. پس دل‌های خود را خانه تقوی کنید و مأوای شهوات قرار ندهید تا دل از انواع خسارتها و آفتها سالم بماند و درگیر بحرانشود و آسایش یابد.

الهی لا حَوْلَ لِي وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ،

خدایا نیروی برای من نیست جز به نیروی تو و راه نجاتی از گرفتاریهای مکرهای دنیا ندارم جز چنگ زدن به عصمت تو

پروردگارا: هیچ قدرتی نیست مگر قوت و قدرت تو و راه نجاتی برای من نیست از تدبیر امور محمود یا مذموم، مگر چنگ زدن به عصمت تو.

شرح این فراز: مکر در عرب چاره اندیشی بد یا خوب است. "مکاره الدنيا" مکرهای دنیایی است مثل زمانی که یهودیان خواستند حضرت رسول را بکشند یا زندانی و یا تبعید نمایند "ویمكرون و یمکر الله و الله خیر الماکرین" (انفال ۳۰) و مراد از یمکر الله همان تدبیر خداوند است که آن حضرت را مأمور به

هجرت کرد و منجر به حرمان و عذاب بد کاران شد و یا اینکه خواستند عیسی را بکشند مگر خدا نجات دادن عیسی از حيله يهوديان بود .

پیام این فراز: مکر و حيله های دنیا در برابر قدرت ازلی الهی ناچیز بوده و همه نابود است. شخص می تواند در برابر مکرهای مذموم دنیایی بایستد در صورتیکه چنگ به ریسمان الهی زده باشد. مکرهای مذموم، ضررهای فردی و اجتماعی و سیاسی را بدنبال دارد و با در نظر گرفتن اینکه دین از سیاست جدا نیست باید مراقب بود و با تقوی ارزشها را حفظ کرد حتی با بر پایی نماز نباید باطلی را تقویت کرد و بنابراین نماز گزاران در مسجدی که پایگاه مخالفان نظام اسلامی است نباید به نماز بایستند. مکرهای مذموم، ضرر جبران ناپذیری در اسلام دارد و اینکه هرگونه ضرری در اسلام ممنوع است "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" (وسائل ج ۲۶ ص ۱۴)

خاصیت ذکر:

امام صادق (ع) فرمودند: هر کس را غمی عارض شود بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله العظیم. حضرت رسول به ابودر وصیت نمود که این کلمه را بسیار بگوید. (بحار الانوار ۸۷/۹۳ ح ۹) یا هر روز صد مرتبه این ذکر را بگوید که خداوند هفتاد نوع بلا را از او دفع می نماید که سهل ترین آنها غم و اندوه می باشد و به سند دیگر منقول است که هر کس دعا کند و دعا خود را به گفتن ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله ختم نماید دعای او مستجاب می شود (اصول کافی ۵۲۱/۲ ح ۱)

فَاسْئَلُكَ بِبَلَاغِهِ حِكْمَتِكَ، وَنَفَاذِ مَشِيَّتِكَ، أَنْ لَا تَجْعَلَنِي لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا، وَلَا تُصَيِّرَنِي لِلْفِتَنِ عَرَضًا

پس از تو می خواهم به حکمت بالغه خود و به مشیت جاری و نافذ خود که مرا تنها در معرض جود و بخشش خود درآوری و هدف تیرهای بلا و آزمایش و فتنه قرارم ندهی

شرح این فراز:

حکمت؛ واژه ای ملازم با خلل ناپذیری، استواری و استحکام است (قلموس قرآن). و واژه مشیت و اراده یک صفت برای خداوند تعالی است. مشیت و اراده الهی در طول افعال الهی هستند. ائمه (ع) می فرمایند: کارهای خداوند انجام نمی گیرد مگر پس از تعلق علم خدا، بعد مشیت الهی، و سپس اراده و تقدیر و قضا و امضای خداوندی است.

در این فراز رابطه حکمت خدا با عدل اوست که استحکام دارد و تکلیف ما لا یطاق را بر بشر قائم نمی کند. علامه حلی می گوید: بر پایه اصل حکمت محال است که خداوند فردی را که توانایی انجام کاری را ندارد بر انجام آن تکلیف نماید. (حسن یوسف دلایل الصدق، تهران مکتبه النجاشی ج ۱ ص ۴۲۴)

مشیت الهی که همان صفت اراده خداوندی است و از صفات فعلی اوست که اگر اراده کند بوجود می آید و اگر اراده نکند بوجود نمی آید و با همین صفات الهی جود و بخشش او را تقاضا داریم.

کمال انسانی در این است که انسان در مقابل خدا، خود را ذلیل بداند و اظهار وجود ننماید و چون و چرا نداشته باشد و فصاحت و بلاغت گفتاری و قولی خداوند را در قرآن بالاترین سخن بداند و در برابر آن سر تسلیم فرود آورد و ثابت نماید که پروردگاری جزء او نیست و هیچکس جزء او سزاوار پرستش نیست.

انسان هر کجا باشد از علم خدا و حکمت او و مشیت او بیرون نیست. مسلمان کسی است که خداوند را به احاطه علمیش بشناسد و اگر انسان یقین کند که خدا عالم است می داند چقدر کارهایش درست است پس او در مقابل علم الهی نمی ایستد و اطاعت امر او را بر خود واجب می داند و به تقدیرات الهی واقف بوده و جود و کرم و بخشش الهی را در همه لحظات زندگی درک می کند و به لطف الهی چنگ می زند تا همیشه مورد لطف او قرار گیرد.

وَ كُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ نَصِيرًا، وَعَلَى الْمَخَازِي وَالْعُيُوبِ سَاتِرًا وَمِنَ الْبَلَاءِ وَاقِيًا،

**و مرا در پیروزی بر دشمنان یاری کنی و رسوائیها و عیوبم را بپوشانی و از بلا
محافظتم کنی**

وَعَنِ الْمَعَاصِي عَاصِمًا بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و از گناهان نگاهم داری به مهر و رحمت ای مهربانترین مهربانان

شرح این فراز:

آنچه در این فراز مطرح می شود: خود فراموشی و از خود بیگانگی کیفر غفلت از خدا است. غفلت از خدا یک گناه است و خداوند انسان را در مقابل این گناه چنان کیفر می کند که وی را از خویش غافل می سازد و او را از یاد خود می برد. فراموشی و غفلت از خویش یا از خود بیگانگی به عنوان عقوبت تلقی شده است. (اخلاق در قرآن استاد تقی مصباح یزدی)

خودشناسی رسیدن به خداشناسی است و خداشناسی همان کمال خواهی است که در رابطه مستقیم با بقاء انسانی می باشد. انسانی که به این مرحله رسیده پس حقیقت جو است. انسان حقیقت جو در هر موقعیتی مایل است که روی پای خود بایستد و خود کفائی خود را به دیگران نشان دهد و این همان قدرت طلبی و یا کمال خواهی است پس دشمن را از غیر دشمن تشخیص و افکار عاقلانه را از افکار جاهلانه تمیز می دهد و بر اساس حق جوئی و حقیقت طلبی راههای انحرافی که آینده ای تلخ و ناگوار را در پی دارد و نوعی تهدید به عذاب و شقاوت است بر او مجهول نمی ماند.

" و لا تكونوا كالذين نسوا الله فأنساهم أنفسهم " (حشر ۱۹) همانند آن کسان مباشید که خدا را از یاد بردند پس خدا نیز آنان را از یاد خودشان برد.

